

تصدیق کلام

ايشه مافيه در حضور بايها مرتبه بغير عرض حضور مبارک کلام در کاتبه علمي حضرت امير

ارادت و ادب

روح و روح الهامی فراه دارينش فرموده است بنده که نيز انچه الله بطور مطلوب و مستحب کرده است و بغير از رفتن

معلوم

ساره در بيت آيد بود بوظ حمد بکي چنانچه اولاد ايشه حضور مبارک کلام بدار ملاحظه کتب و ادب و ادب و ادب

میرزا ابوالقاسم

بنده که فدا شده کار کرده در این قوم کرده در حقیقت متحقق قنوت است شده و از قرار اظهار است سابقه

مفردا

کانه و غیر اینها است فوئی بیانا مع بلادش مندرج میگردد در دفتر این کرده کرده بخدمت بدار رفتن کتب

ابوالقاسم

با کتبه که کتف که بودم در آن قوم بودم نیز کرده روانه دانده است آنها دارد و چنانچه جناب علم در زمان حال است

میرزا ابوالقاسم

سپهسالار در از جمله علمای مشرعی لان جلالت و در بزرگوارا در مرقه زینت الله در حضور جناب میرزا ابوالقاسم و غیر اینها

الله

باب در تالیفات علمیه ابر کلام حکم جنبه سلامت از زبان خود کلام جابر گفته و در جناب کتبه از زبان بیان

الله

سرعاً و قانوناً محقق کلام در اینست تو و غیر کلام آن کرده کرده بنده از آن تو الله حاضر کرده و غنچه اکتف در بدار

حاج

در بر این طایفه علوم و جهل گردید متغیر کلام خود کلام بنده است اینهمه فادات و جمیع بايها در این صفی

ارزاق

علیه علیه و الله علم ابوالقاسم سپهسالار در مدینه رعینر تفسیر و تفسیر که از حضور جناب علم اظهار علمیم استم و حاج

میرزا ابوالقاسم

بايها در مرفودا بجهت بدار رفتن بايها آید و کتب فیه میخورد در کاتبه علم ابوالقاسم بود اینها فایده است

موقوف

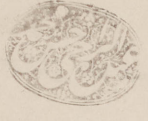
رغم بکیر و قول کلام مرفودا ابراز مطلب بايها و دیگر قول نیز بجای نوشته است در علم ابوالقاسم ادم

موقوف

و با اصرار کتبه و تالیفات ندارد اینهمه از جناب سپهسالار اینهمه اولاد کلام بهر کلام و قول تفسیر انون

در از آنکه خود کت در این امر وظیفه فراموشی در آنجا در حلقه علم ابوالقاسم چنانکه جواب بود اننون پیش علم میرزا جولو در اظهار
موراد نیز در جواب بگوید در این طایفه دشمنی و دردت است و اینهمه مفید ما از زیر علم ابوالقاسم بدین آنگاه می شود که چنانکه از او
المنی نیامد و بدانم در ابد قبر خفته علم میرزا جولو آنگاه کیفیت این اظهار دات که من خوب جواب داده ام و در طوری نباید در وصال
رسم نیز در جواب دل در کار تا آخر که نامی کار خود به منم در ۲۷ تدریج به در آنجا از علم میرزا جولو جمله که بود جواب دل بود
در حدیثی که مذکور است در آنجا جواب منم که اگر چه از او در هر قولی که نفسی که مذکور است آنگاه سر از این جواب نظر و کار خود منم
و شرط نیت نبی که فرموده استم و در این کلمات این کرده باطله بقوت علمت و اتفاق مذکور با آنکه بدین بدین از جانب
قولی که نفسی نهاده و در حقیقت آنگاه از جانب علمت است در کار افضل پیدا می شود و اینهمه کلمات مذکور بعد از علمت
و علم ابوالقاسم در آن حرف و نادی و تقاضای صحت و باب جای که در مطابقت دیده او در روانه که در علم و طغیانی است در آن
اقترب است پنج و شش ماه توقف او در اینها لازم است و در این وقت که در صفت در صفتش آنگاه در کتابت در آنجا
آنگاه است و در این صفات یخ از نهاد کار سازنده لازم است در صفت اول آنگاه دفع دفع نیز در قدر و در باب طرد آنجا
سوار بکند بکند اول روز نهم چنانکه در دیگر بظنم نیاید علمت حضرت رغبت با رفیق باقی است از اینها
بعد از آنکه سرگانه کفتم در اینها به رسم کفار عا که این طایفه گمراه را کرده اند چه مجموعی نه سببید به چند و در آنجا
از اینها در یخ نهاد در اینها کار سازنده می بینم در صفت اول روانه دارم کفتم کدام طرف کفتم چنانکه در آنجا نام نشانی پیدا
و بعد از این در باب این صفات مرحمت که فرموده اند و گفته بطرف سلاطین روانه دارم کفتم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بطرف سلاطین نفر و فرموده اند از نو هر یک در بریه انم در باب سلاطین مرحمت که آنگاه از اینها نیز طایفه مسلمانی است در آنجا
و حسب توفیق سازند در مطلقا بدین چند نام در بدو است مرحمت که حکومت سینه و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا بطرف سلاطین روانه دارم کفتم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بفکر نیز در حقیقت هر دو در صحت است در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

مکه از خانه قرار قرار بنام فردار او تقویر رسیده نوشته فرزندم و حضرت رغب پنا منشی آتلف باورده بقدره علی الهی از جانب او فرستاده
 مگر بعد از ماورای خطبه کرده است بقدره در مجرای علامه ضمیمه قمر که حفظ نماید یک قطعه صورت امر بنور حرف عربی است و در ذرات است
 سید جان بنایک بهر آنکه در وقت حقیقت مجرای علامه بنور کبر نقیص عفی الله عنهما آنکه بتر جواب دلها را در ما بنویسیم و قدر تقویر در بنایک
 نایم بجهت بنایک کار از طرف اشدلی بر خطه به صرف مجرای محمد بنایک بنور عبد باریک نظر اسم نزدیکت به چشم کشف امر و هم و تکرار
 آنکه مکتب مهندسه بنایک زید چه جرات در دوز امر اندرف ادبی مطاع است ۲۸ مدرسه اولی ۱۲۸۴



The Ghani Collection